



رخ به رخ با حسن یکتاپناه  
کارگردانی که بعد از ۱۴ سال با «غیرمجاز» آمده است

# تمام غیرمجازهای سال‌ها دوری...

امین فرج‌پور | روند حرکتی حسن یکتاپناه در سینمای ایران شکل عجیبی دارد. سینماگر با استعداد که با دستکاری کارگردانسی چون علی حاتمی، عباس کیارستمی، ابراهیم فروزش و ته‌مین میلانی آغازی امید آفرین در این وادی داشت، در کارگردانی نیز با قدرت آغاز کرد و با همان نخستین فیلمش که جمعه نام داشت، در بخش نوعی نگاه فستیوال کن موفق به دریافت جایزه ارزشمند دوربین طلایی کن شد؛ اما این آغاز قدرتمند بسان شهابی زودگذر به سرعت مسیر افول را پیش گرفت. یکتاپناه که با نخستین فیلمش جمعه در همان سالی که بهمن قبادی با فیلم زمان برای مستی اسبها دوربین طلایی کن را گرفت، با او در این جایزه شریک بود و بعدتر هم فیلمش را در حدود چهل فستیوال مختلف جهانی موفق دید، بر خلاف حرکت رو به رشد بهمن قبادی روند قهقرایی را در پی گرفت و در کوتاه زمانی از سینمای ایران محو شد.

جمعه در نمایش‌های فستیوالی خود جایز متعددی را نصیب سازنده‌اش کرد که مهمترین آنها جایزه مخصوص هیأت داوران توکیو فیلمکس، جایزه هیأت داوران براتیسلاوا، جایزه تماشاگران هامبورگ، بهترین بازیگر نقش اول در فستیوال چهره‌های عشق مسکو و... بود. او برای ساخت دومین فیلمش که داستان ناتمام نام داشت سه سال صبر کرد و آن را در سال ۱۳۸۲ ساخت. فیلمی که آن نیز موفق بود و در سال ۲۰۰۴ یوز پلنگ نقره‌ای فستیوال لوکارنو و بهترین فیلم آسیایی نت - پیکر از آن خود کرد و البته این جایزه تنها یکی از جوایز بین‌المللی فیلم بود. این کارگردان که به نظر می‌رسید مسیر موفقیت را یافته و به سرعت در آن جهت در حال حرکت است، اما برای ساخت سومین فیلمش حدود چهارده سال انتظار کشید و بالاخره در سال ۹۵ فیلم غیرمجاز را پس از سال‌ها دوری از سینما جلوی دوربین برد. فیلمی با بازی میلاد کی‌مرام و لیلیا زارع که داستانی درباره دختران فسراری را روایت می‌کند. غیرمجاز داستان دختری جوانی است که در پی یافتن نامزد خود به تهران می‌آید. او در این راه با ناملایماتی روبه‌رو می‌شود که توقع آن را ندارد. طبیعی است که آغاز گفت‌وگو با کارگردانی چون حسن یکتاپناه درباره دلایل دوری طولانی مدت او از سینما باشد.

• آقای یکتاپناه عزیز شما با این که به نظر می‌رسید در مسیر موفقیت هستید، اما به یک‌باره توقف چهارده‌ساله‌ای در کارنامه‌تان پیدا شد که غیرمنتظره بود. می‌توانید بگویید که چرا بین فیلم دوم شما با فیلم غیرمجاز که در حال حاضر ارکان است، این فاصله طولانی سیزده - چهارده ساله پیش آمد؟  
می‌شود گفت این امر دلایل غیرسینمایی داشت؛ در واقع چون همسر به بیماری سرطان مبتلا شده بود و باید در خارج از کشور درمان می‌شد، ناچار

بودیم چند سالی خارج از کشور زندگی کنیم. • این امکان فعالیت سینمایی نداشتید؟  
کار کردن در اروپا خیلی دشوار است. من خودم آن‌جا در کشور اتریش در همان اولین سال‌های زندگی یک فیلمنامه‌ای نوشتم، با این هدف که کار کنم اما وقتی پیش رفتیم، دیدم کار کردن در آن‌جا برایم بسیار دشوار است. • پس حسابی گیر شرایط افتاده بودید.  
بله؛ آن‌جا کار کردن برای من دشوارتر از آن بود که بشود تصورش را کرد و از سوی دیگر هم روند درمانی همسرم اجازه نمی‌داد به ایران بازگردم و این‌جا کار کنم؛ به هر حال یک مدت زمان خیلی طولانی درگیر این جریان بودم.

• این امکان را نداشتید که خودتان با سرمایه شخصی کارهای جمع و جور کوچک بسازید؟  
خب من فیلم‌هایم را با هزینه‌های دولتی آنچنانی ساخته بودم. فیلم‌های مستقل کم‌هزینه‌ای بودند که تازه تا آن زمان هنوز هیچ کدام پروانه نمایش هم نگرفته بودند. فیلمسازی که باید یک فیلمش به ثمر بنشیند تا بتواند با پول آن فیلم بعدش را بسازد در چنین شرایطی دیگر کاری ازش بر نمی‌آید که؛ من هم به این دلیل دیگر پولی نداشتم تا فیلم جدیدی را بتوانم بسازم. من برای اولین فیلم سه‌گانه‌ای با سوزه مهاجرت ساختم که متأسفانه پروانه نمایش نگرفت و مرا از سینما زده کرد. در خارج از ایران هم که خواستم فعالیت کنم، به این دلیل که تمرکز من بر روی سوزه‌های اجتماعی بود و هنوز هم هست، آن‌جا هم نتوانستم کار کنم.

• پس غیرمجاز باید اثباتش انگیزه‌های شما در تمام این سال‌ها باشد؛ درست است؟  
بگذارید این گونه بگویم که وقتی به ایران بازگشتم، تمام تلاش‌ها را کردم تا فیلمی بسازم که در عین حال که موضوعی اجتماعی دارد، این توانایی را هم داشته باشد که با تعداد بیشتری از مخاطبان ارتباط برقرار کند.

• آیا رنگی از فیلمنامه‌های دوران دوری از غیرمجاز حداقل از نظر انتقادی چندان موفق جلوه نکرده و منتقدانی که روی این فیلم نقد نوشته‌اند، بیشترشان به این نکته اشاره کرده‌اند که این فیلم در قیاس با فیلم‌های سابق‌تان چون جمعه و داستان ناتمام چند گام عقب‌تر می‌آیند. شما این نقدها را می‌پذیرید؟  
خب هر منتقدی حق دارد نظرش را درباره هر

فیلمی ابراز کند؛ اما من به‌شخصه فکر می‌کنم که غیرمجاز سینمایی‌تر از آثار قبلی‌ام است. به هر حال اگر یادتان باشد فیلم‌های پیشین من مستندگونه بود؛ اما این یکی سرسروش و شکل و ساختاری نزدیک به سینمای داستانی دارد. نکته مهم دیگر که باعث تفاوت این فیلم با آن قبلی‌هاست، موضوعش است. موضوع فیلم‌های اول من مهاجرت و فرار مغزها بود و این مسأله هنوز هم از دغدغه‌های اجتماعی من است. • چرا این موضوع را رها کردید؟ یا تجربه سال‌ها خارج‌نشینی، فکر نمی‌کنید اگر سومین فیلم‌تان را هم دربار مهاجرت می‌ساختید، می‌توانستید خیلی موفق‌تر به موضوع بپردازید؟  
گفتم که مهاجرت هنوز هم از دغدغه‌های اجتماعی من است. این که هیچ وقت نه قدیمی می‌شود و نه از مد می‌افتد و همیشه از هر زاویه‌ای که به این موضوع نگاه شود، جالب است. می‌دانید تمایل به مهاجرت در میان اقوام و ملیت‌های مختلف وجود دارد، حتی در جامعه‌ای که ظاهراً مشکل چندانی هم ندارند؛ مثلاً ژاپنی‌ها و فرانسوی‌ها که وقتی در جریان تحقیقاتم دیدم که چقدر دوست دارند به آمریکا مهاجرت کنند، واقعا شگفت‌زده شدم. ماجرای مهاجرت‌قصد همیشگی آدم‌هاست و ربطی به جهان سوم بودن ندارد.

• یعنی می‌خواهید بگویید که دلیل برتری فیلم‌های اولیه‌تان در قیاس منتقدان موضوع درگیرکننده‌تر آنها بوده است؟  
دقیقا؛ این را قطع به یقین می‌گویم که دو فیلم ابتدایی من شاید به دلیل موضوع و مضمون‌شان مورد توجه اهالی سینما و منتقدان و کارشناسان قرار گرفته است؛ وگرنه به نظر شخص من که کارگردان هر سه این فیلم‌ها هستم، از نظر ساختاری فیلم غیرمجاز بیشتر به سینما نزدیک است. • وقتی می‌خواستید غیرمجاز را بسازید، آیا تردید نداشتید که نزدیک‌شدن به موضوع

دختران فراری که با رها و بارها در سینما به آن پرداخته شده، ممکن است نتیجه مد نظر‌تان را حاصل نیاورد؟  
بعضی سوزها هستند که هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند؛ مثل مهاجرت که گفتم. به نظرم دختران فراری نیز مثل مهاجرت موضوعی است که هیچ‌وقت تکراری نمی‌شود؛ چون همیشه هست. وقتی موضوعی در جامعه اتفاق می‌افتد، نمی‌شود گفت چون یک نفر سال‌ها پیش در این مورد فیلم ساخته پس باید بوسیم و بگذاریمش کنار؛ اصلا خود سینما هم به نظر من تکرار است. دقیقا مثل زندگی که هر روز بیشتر لحظاتمان به تکرار می‌گذرد پس به نظر من سینما تکراری نمی‌شود. در هر موضوعی می‌شود فیلمی ساخت که تکراری نباشد و در این بین اگر کاری تکراری جلوه می‌کند، تقصیر موضوع و مضمون آن نیست. بگذارید واضح‌تر بگویم: نوع پرداختن به سینما است که باعث تکرار یا تنوع در آن می‌شود. • چه شد که دغدغه دختران فراری سراغ‌تان آمد؟  
وقتی به آمار فرار دختران نگاه می‌کنید، می‌بینید که این معضل با گذر سال‌ها هم تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه سال به سال بیشتر هم شده است. مخصوصاً این که فضای مجازی اعتمادبه‌نفسی به جوانان داده است که خیلی سریع تصمیم می‌گیرند و متحمل پیامدهای بین احساس می‌شود این است که به‌رغم این که آمار فرار دختران از خانه در سال‌های اخیر افزایش چشمگیری پیدا کرده اما در این مدت فعالیت‌های فرهنگی ما برای پیشگیری و درمان این معضل اجتماعی تقریباً در حد هیچ بوده است.

• خب شاید همه چیز را هم فرهنگسازای حل نکند. وقتی دختری چنین تصمیمی را می‌گیرد آیا به این دلیل نیست که سراب پیش رو را با تمام خطرها پیش نسبت به فضایی که پشت سرش بوده است، فریبده‌تر می‌بیند؟  
در این زمینه باید خیلی کارها کرد؛ اما متأسفانه در این مدت نه قوانین تغییریری پیدا کرده‌اند نه اتفاق

• خب در مقطعی فیلم‌های تأثیرگذاری چون دختری با کفش‌های کتانی رسول صدرعاملی و چند نمونه دیگر به خوبی به مسائلی مهم درباره این موضوع اشاره کردند و بیست سال پس از آن مقطع مهم تاریخی شما در غیرمجاز چه نگاهی به موضوع فرار دختران دارید که نه فیلم‌تان تکراری باشد، نه به دام ممیزی یفتید و هم این که حرف تازه و باب طبع روز بزنید؟  
آن فیلم‌هایی که نام برید همه فیلم‌های بسیار خوب و قابل دفاعی بودند اما در غیرمجاز نخستین تلاش من بر این بوده که پرداختی ساده به این سوزه داشته باشم. جوری که اگر دختر نوجوانی در ایلام این اثر را می‌بیند با کاراکتر قهرمان فیلم ارتباط برقرار کند. راحت بگویم می‌خواستیم فیلمی عامه‌پسند بسازم. حسم بهم می‌گفت این قصه نیازی به میزانشن‌های پیچیده ندارد؛ اگر چه بخشی از تعهد و شغل من ایجاد می‌کند که به جنبه بصری و هنری کار هم توجه داشته باشم. اما نمی‌خواستیم فیلمی پر از رنگ و نور و حرکت بسازم. به هر حال دختر داستان ما یک دختر ساده شهرستانی است و باید کاری می‌کردم که فیلم همان سادگی را داشته باشد.

• این را قبول دارید که غیرمجاز در بعضی جاها شبیه فیلم‌های خانم ته‌مین میلانی از کار درآمده است؟  
من مسائل‌ها با خانم میلانی کار کرده‌ام و طبیعی است اگر تأثیری از ایشان گرفته باشم. به هر حال نمی‌توانم بگویم تحت تأثیر خانم میلانی نبوده‌ام وقتی که دو نفر شباهت‌هایی داشته باشند دل به هم‌کاری با هم می‌دهند؛ و از این نظر شباهت‌هایی که میان فیلم من و آثار ایشان هست، قطعاً به دلیل این شباهت‌ها بوده و اجتناب‌ناپذیر است. من شاید از تمام آنهایی که با آنها همکاری کرده‌ام، تأثیری گرفته باشم. یادم است که حتی زمانی که فیلم جمعه را ساخته بودم، مردم می‌گفتند که عباس کیارستمی این فیلم را ساخته است.

